

## ویژگی نوین بحران سرمایه داری

کوروش عرفانی

شنبه بیستم مهر ۱۳۸۷

در مقابل چشمان متحیر جهانیان مدافعان سرمایه داری که دهه ها گوش جهان را از شعار « حداقل دولت و حداکثر بازار» پرکرده بودند اینک فریاد برمی آورند که دولت باید به نجات بازار بشتابد تا فاجعه پیش نیاید. در عرض کمتر از یک ماه که از بحران می گذرد سرمایه داری به روی تمام نظریه های چند صد سال گذشته ی خود تف کرده، همه ی آنچه را که به عنوان «قطعیت» معرفی می کرد پس گرفته و هر آنچه را که رد می کرد تایید می کند. آیا بحران فعلی سرمایه داری یک بحران دوری و معمولی است یا خصلت جدیدی در آن است. نگارنده در این نوشتار به طور مختصر فرضیه ای را معرفی می کند که بر اساس آن این بحران علاوه بر آن که تضادهای سنتی و ساختاری سرمایه داری را نمایندگی می کند، در عین حال دربرگیرنده یک ویژگی نو است که البته از تداوم همان سیر سنتی سرمایه داری برمی آید. اما گویی رشد کمی سرمایه داری یک تغییر کیفی در آن به وجود آورده باشد.

### جهش در ذات سرمایه داری

ریشه ی بحران کنونی را می توان به طور کلی در خصلت ذاتی سرمایه داری جستجو کرد که بر اساس آن سودآوری باید در هر شرایطی ادامه یابد. سود، موتور سرمایه داری است و بدون آن حرف زدن از این نظام بی معناست. اما سود چگونه به دست می آید؟ به طور سنتی این طور پنداشته میشد که سود سرمایه داری از طریق استثمار توده ها کسب می شود. این درست است. سرمایه داری سنتی سود خود را با اختصاص کار دیگران به خود که استثمار نام دارد به دست می آورد. تا این جاسرمایه داران یا دیگران را به کار می گرفتند و از حاصل کار آنها سود به دست می آوردند و یا در چرخه آفرینش ثروت درجایی قرار می گرفتند که بتوانند از آنچه متعلق به توده هاست برای خود بهره ببرند. اما به نظرمی رسد که این روش ها دیگر متناسب با رشد کمی و کیفی ساختارهای نوین سرمایه داری قرن بیست و یکم نباشد. به همین دلیل شیوه نوین ابداع شده است. این روش دیگر عبارت است از ربودن حق دیگران به خود که دزدی یا کلاهبرداری نام دارد. مثال استثمار را می توان در کارخانه های ماشین سازی فورد یا رنو یا ایران خودرو جستجو کرد؛ جایی که میلیون ها کارگر تولید می کنند و پس از دریافت اندکی از حاصل کار خود، به عنوان دستمزد، باقی کارشان به عنوان « کار اضافی» و از سر اجبار به جیب سرمایه داران صاحب وسایل تولید می فرستند.

مثال در موقعیت خوب قرار گرفتن در چرخه ثروت را نیز میتوان در سیطره ی طبقه ی حاکم بر بازارهای بورس و یا بر منابع طبیعی کشورها دید. وقتی طبقه ی حاکم در ایران با استفاده از ابزار دولت بیش از ۴۰ درصد از درآمد ۵۰ میلیارد دلاری سالانه نفت را به خود یعنی به حدود ۱۰ درصد از جامعه اختصاص میدهد ما شاهد مورد مشخص دزدی هستیم. اما این دوروش استثمار و غارت که روش های سنتی و دیرینه سرمایه داری هستند برای بقا و رشد سرمایه داری نوین کافی نبوده اند. شرکت نفتی آمریکایی اکسون در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و با رشد قیمت نفت، در هر ثانیه ۱,۴۸۵ دلار سود به جیب زده است. چنین سودی نمی تواند به طور عادی به دست آید و نمی تواند به طور عادی باز سرمایه گذاری شود.

سرمایه داری که بی اخلاق ترین و ضد انسانی ترین نظام اقتصادی تاریخ بشری است بر آن شده است که با اضافه کردن روش جدیدی به روش های سنتی سودآفرینی برای خود هم استثمار کند، هم در جایگاه مناسب چرخه ثروت باشد و هم کلاهبرداری. فراموش نکنیم که این روش جدید، یا کلاهبرداری، نوعی تلاش برای پس گرفتن آن چیزی است که در فرایند سنتی استثمار یا جایگاه خوب داشتن به سرمایه دار نرسیده است و از سر اجبار به مزدبگیر داده شده است.

### سه مثال از روش جدید سودآفرینی، کلاهبرداری

از دو دهه پیش، سرمایه داری غربی، که به شدت تحت تاثیر ایدئولوژی طمع ورز یهودسالاری قرار دارد، شیوه ی جدیدی را برای دزدی از جیب توده ها به وجود آورد. در این شیوه، قشرهای بالای طبقه ی سرمایه دار با سرمایه گذاری کلان، اما هدفمند، در یک عرصه ی اقتصادی، «سرمایه گذاران» کوچک و متوسط را تشویق و تحریک می کند که برای به دست آوردن پول راحت، پس اندازهای خود را، که حاصل یک عمر کار و استثمار شدن است، به عنوان سرمایه گذاری به بازار جدید وارد سازند. این بازار جدید در دهه ی نود اینترنت و شرکت های نوپای فن آوری مدرن بودند. در اواخر دهه نود سرمایه گذاری های کلان سرمایه داری کلاهبردار سبب شد که میلیون ها نفر در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی باور کنند یک بازار جدید برای به دست آوردن بی دردسر پول بوجود آمده است. حساب اینترنت هر روز باد می شد و میلیون ها نفر پس اندازهای زندگی خود را در شرکت های ریز و درشت، که چیزی جز چند کامپیوتر و یک وبسایت نداشتند، سرمایه گذاری کردند. وقتی سرمایه داران موفق شدند میلیاردها پول در دست مردم را این گونه از صندوق بانک ها و کنج خانه ها وارد بازار سازند وقت آن بود که این حساب بترکد. اتفاقی که در سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱ افتاد و انبوهی از مردم در عرض چند ماه میلیاردها دلار از پس اندازهای خود را که معادل میلیون ها سال/کار بود از دست دادند. پول ها به جیب کسانی رفت که خود این جریان کاذب و فریبنده را به راه انداختند، به موقع نیز پول های خود را در لندن و نیویورک و تل آویو از چرخه ی بازار دروغین بیرون کشیدند و سپس، جریان فروپاشی بازار کاذب را با ترکاندن حساب اینترنتی سازمان دهی کردند. همان ها که بعد از این جریان، با پول های به دست آمده روی ارزش های مطمئن بازار نوین تکنولوژیک مانند گوگل، مایکروسافت و یا ای بای و آی بی ام سرمایه گذاری کرده و سودهای کلانی به جیب زدند.

مورد دوم بهره بری از ماجرای به شدت مشکوک ۱۱ سپتامبر بود. سرمایه داری کلاهبردار به زودی جنگ را نیز به حیطه ی سودزایی تبدیل کرد. با سرمایه گذاری بخش خصوصی در جنگ در عراق و افغانستان، میلیاردها دلار پول مردم آمریکا، عراق و افغانستان را از طریق قرار داد با دولت و ارتش آمریکا، به جیب شرکت های فوق رفت. تولید ترس و مرگ و کسب سود. تعداد افرادی که از جانب این شرکت ها در حال حاضر در عراق حضور دارند نزدیک به دو برابر نیروهای ارتش آمریکا در این کشور است. از یکسو تیم های سازمان جاسوسی اسرائیل موساد اقدام به بمب گذاری و یا سازماندهی حملات انتحاری در این کشور می کرد و از سوی دیگر شرکت های تسلیحاتی، فن آوری و یا امنیتی اسرائیل برای مقابله با بمب گذاری ها قراردادهای سودآور با ارتش آمریکا امضاء می کردند. این جنگ برای مردم آمریکا هر روز ۳۴۱,۴ میلیون دلار هزینه داشته است و دارد. تا به حال سرمایه داری دزد موفق شده است برای این جنگ مبلغ ۵۶۲ میلیارد دلار از جیب مردم آمریکا به شرکت های تسلیحاتی و امنیتی فوق واریز کند.

در مورد سوم همزمان با جنگ افروزی، جریان کلاهبردار سرمایه داری به عرصه جدیدی روی آورد. عرصه املاک و

ساختمان. جریان سرمایه داری دزد این باربروی ساختمان سازی سرمایه گذاری کرد و بانک های در اختیار خود برای خرید این ساختمانها (خانه، ویلا، برج، دفتر، ...) به مردم وام دادند. در آمریکای شمالی این وامها چنان آسان به متقاضیان داده میشد که عده ای از دریافت کنندگان خود در تعجب بودند. خرید و فروش ساختمان تبدیل شد به عرصه جدیدی که هرکس احساس می کرد میتواند از طریق آن، به فاصله ی کوتاهی، درآمد کلانی به جیب زند. بسیاری کار و فعالیت خود را رها کردند و با اخذ وام و وارد ساختن پس اندازهای خویش تبدیل به یک خانه باز و فروشنده ی حرفه ای شدند. در این میان، وفور ساختمان از یکسو و راحتی دریافت وام از سوی دیگر میلیون ها نفر را به فکر واداشت که صاحب خانه شوند. این بار نیز مردم میلیاردها دلار از سرمایه های خود را که حاصل یک عمر کار و زحمت بود وارد بازار کردند و به عنوان پول پیش، با آن وام دریافت کردند تا خانه بخرند.

این جریان حدود پنج سالی رواج پیدا کرد و اوج گرفت تا این که علائم کاذب بودن و محدودیت های آن از سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷ نمایان شد. سرمایه داران دزد این بار نیز به موقع پول های خود را که در ساختمان سرمایه گذاری کرده بودند از بازار بیرون کشیدند تا اصل سرمایه ی خود را حفظ کنند. برای این کار آنها تعداد زیادی از ساختمان های در اختیار خود را پیش از شروع بحران به فروش گذاشتند. افزایش عرضه سبب شد که قیمت ها پایین بیاید. با کاهش قیمت ها به تدریج خانه بازان کوچک نیز احساس نگرانی کرده و خانه های خود را با قیمت های زیر بازار ارائه دادند. همین امر سبب کاهش هر چه بیشتر قیمت ها شد. این عده که خرید خانه ها را با وام بانک ها انجام داده بودند - به این امید که به زودی خانه ها را فروخته و پس از کسب سود، پول بانک را برگردانند-، در یافتن مشتری برای خانه هایشان با مشکل مواجه شدند. این امر سبب شد که آنها نتوانند پول بانک را پرداخته و لذا اعلام ورشکستگی کرده و بانک خانه ها را صاحب شد.

با رکود بخش ساختمان، که نزدیک به ۸۰۰ شغل به آن وابسته است، وضعیت عمومی اقتصاد رو به وخامت گذاشت و بسیاری از کسانی که با درآمد ناشی از حقوق قسط وام خانه ی خود را می پرداختند کار شان را از دست داده و به دلیل نپرداختن اقساط، خانه های خود را به بانک وام دهنده واگذار کردند.

پس از یاد نبریم: سرمایه داری کلاهبردار

۱. نخست خانه ساخت و آنها را به مردم فروخت و از این راه سود کلانی به جیب زد.
۲. دوم از طریق بانک های خود به مردم وام داد تا ساختمان هایش را به فروش برساند. از این راه نیز با دریافت بهره ی بانکی برای وام، سود خوبی به جیب زد.
۳. بعد بحران آفرید و خانه های فروخته شده را از چنگ خریدارانی که نمی توانند قسط وام های خود را بپردازند درآورد.
۴. در حال حاضر آنها بابت پولی که بانک ها به ظاهر در این میان از دست دادند از دولت تقاضای کمک های میلیاردی کرده و دولت های سرمایه داری نیز به عنوان ابزار و خدمتگزار سرمایه داری پول های مردم را که در اختیار داشتند به صندوق بانک ها و موسسات مالی سرمایه داری کلاهبردار سرازیر کرده اند.
۵. بانک ها سر فرصت و در شرایط خوب باز هم این خانه های پس گرفته شده را برای فروش ارائه خواهند داد و بابت آنها پول بسیاری به جیب خواهند زد.

۶. برای همان خانه ها نیز این بانک ها بار دیگر وام داده و با بهره ی آن وام ها سود خوبی خواهند داشت. بدین ترتیب می بینیم در این چرخه برخلاف چرخه ی سنتی استثمار، سرمایه داری کلاهبردار شش بار و در واقع از شش طریق، پول مردم را به جیب زده است .

این شیوه ی جدید کسب سود، که البته بیشترشکل و ابعاد آن جدید است تا ذات و محتوای آن، سرمایه داری را با این واقعیت مواجه ساخته است که باید عرصه ها و شیوه های تازه ای برای دزدی بیابد و در این میان، دولت وظیفه دارد که امنیت اجتماعی و اقتصادی او را حفظ کند. همدستی طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری در این مثال ها آشکار است.

### آینده چگونه است؟

بدیهی است در چنین شرایطی که دولت ها ارقام نجومی متعلق به توده ها ی مردم و کشورهای فقیر را مانند راهزنان به صورت شتابزده به جیب سرمایه داران دزد و اریزمی کنند، برای هر فردی ابعاد به مسخره کشیدن و مورد اهانت قرار گرفتن هوش و شخصیت صدها میلیون انسان توسط مشتکی دزد و استثمارگر و سیاست باز آشکار می شود.

بدیهی است که چه نهادینه ی اخته شده ی اروپایی در این میان نمی تواند کار زیادی صورت دهد، اما نیروهای مردم گرا در این عرصه فرصت خوبی برای روشنگری و آگاهی بخشی توده ها دارند تا به آنها نشان دهند چگونه از یکسو سرمایه داری استثمارگر یک عمر آنها را به کار می کشد و از نیروی کار و وقت آنها بهره می برد و از سوی دیگر سرمایه داری کلاهبردار و دزد، حاصل دهها سال تلاش آنها را در یک عملیات راهزنانه با ابعاد چند بیلیونی از چنگشان در می آورد. این با آن روش سنتی استثمارگری سرمایه داری متفاوت است و هیچ فرایند تولیدگری در آن نیست. به همین دلیل نیز از یکسو شکل بندی اجتماعی جامعه را به شدت متزلزل می سازد اما خود زاینده ی یک شکل بندی نوین نیست. این نوع از سرمایه داری غیرتولیدی اما سودزا می رود تا با متزلزل ساختن ساختارهای اجتماعی موجود، ساختار اقتصادی سرمایه داری سنتی را نیز زیر سوال برد. به همین دلیل نیز جریانی است تنش زا و بحران آفرین که در بطن خود سرمایه داری نیز تضاد به وجود خواهد آورد. بی شک سرمایه داری تولیدی و سرمایه داری غیر تولیدی، که اولی بر استثمار سوار است و دومی بر کلاهبرداری، در جاهایی نیز همدست هم می باشند اما در شرایط ویژه ای، سرمایه داری تولیدی، بخصوص بر اساس خط کشی های ملی و مرزی (چین و روسیه) برای حفظ موقعیت خویش باید از سرمایه داری غیر تولیدی دزد (آمریکایی-انگلیسی-اسرائیلی) که بیشتر به قمارباز شبیه است تا به یک تاجر و کارخانه دار فاصله بگیرد. این تضادهای درونی جبهه ی سرمایه داری فرصت خوبی را برای مخالفان سرمایه داری فراهم خواهد ساخت تا در مسیر تقویت یک جایگزین غیر سرمایه داری توده ها را آگاه و سازماندهی کنند. چشم انداز سیاهی که ترسیم می شود بهترین فرصت تاریخی برای نوزایش جریان های مردمی و توده گرا می باشد. اما این بار، بر اساس یک تفکر «انسان محور» و نه یک ایدئولوژی حزب سالار یا طبقه محور.

در حالیکه روسای موسسات بزرگ مالی آمریکا در همان شب تصویب کمک ۷۰۰ میلیارد دلاری کنگره ی آمریکا بزرگترین جشن و میهمانی مفصل و شام را برگزار می کنند صدها هزار کارگر و کارمند قرار است در ماه های آینده در این کشور از کار بیکار شوند. در انگلستان پیش بینی می شود که نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر شغل خود را از دست دهند. در فرانسه تنها در بخش ساختمان بیش از ۳۵۰ هزار نفر بیکار خواهند شد. میلیون ها نفر به زودی حق باننشستگی و حقوق بیکاری خود را از دست خواهند داد .

این کلاهبرداری سرمایه داری برای توده ها جز فقر و رنج و مرگ به همراه نخواهد داشت . باید دانست که اگر این بحران نیز به طور موقت رد شود، بحران بعدی به سرعت و با قدرت تخریب گری دو چندان فرا خواهد رسید. دولتمردان فرانسوی، که نوکران سرمایه داری هستند، از حالا اعلام داشته اند که اگر دولت مالکیت برخی موسسات مالی را در شرایط کنونی می پذیرد برای آن است که بعد از رفع بحران آنها را بار دیگر در اختیار بخش خصوصی بگذارد. یعنی باز، روز از نو روزی از نو.

در این میان از یک بحران تا بحران دیگر باز این سرمایه داران هستند که جان سالم به در برده و ثروتمندتر می شوند و این توده ها هستند که قربانی شده و فقیرتر می شوند.

### به عنوان نتیجه گیری:

همگی میدانیم که نظام سرمایه داری به اقتضای ذات خود هم ضد منطق و خرد است، هم ضد طبیعت و محیط کره زمین است و هم ضد بشریت. بنابراین هیچ جنایت و راهزنی بزرگتری از او بعید نیست، نه تنها بعید نیست بلکه کلاهبرداری مالی برای سودزایی به تدریج به روشی نهادینه تبدیل می شود، راهزنی سرمایه داری با شدت هرچه تمام ادامه یافته و دیرنخواهد بود که سرمایه داران، حراج زمینهای کرات دیگر را آغاز خواهند کرد و نیز پیش فروش خانه های پیش ساخته مستقر در مدار مریخ را فراموش نکنیم که سرمایه دار خود نیز یک انسان مسخ شده و به گفته ی مارکس از خودبیگانه است، او دیوانه ی پول است و برای آن، ممنوع خود و کره ای را که در آن زیست می کند نابود خواهد ساخت. تفکر یهودسالار حاکم بر سرمایه داری از بینش این مذهب الهام می گیرد که بر اساس آن دنیای دیگری وجود ندارد و بهشت و جهنم در همین دنیا است. کسی که چنین نگرشی دارد آیا دلیلی دارد که بخواهد به هیچ ارزش اخلاقی پایبند باشد و به واسطه ی آن، خود را از داشتن ثروت و رفاه و لذت بیشتر محروم سازد؟

نگارنده بر این باور است که هر یک از ما با انفعال خویش در مقابل سرمایه داری وحشی به نوعی همدست آنها در نابودسازی انسان، انسانیت و کره زمین هستیم. این نه وظیفه سیاسی، یا تشکیلاتی یا ایدئولوژیک ماست که با این نظام درافتیم، این وظیفه اخلاقی ما به عنوان انسان است که در برابر این روند روبه رشد تخریب گری بیاستیم و برای رسیدن به جهانی مبارزه کنیم که در آن، رعایت حفظ حرمت انسانها از طریق دوا بزار نهادینه تضمین شده است: برابری و آزادی. چنین جهانی میسر و در دسترس است، سد اصلی رسیدن به آن این است که به آن باور نداریم. مانع بیرونی عمده ای در مقابل ما نیست که ما را از رسیدن به چنین جامعه ای محروم سازد، مانع اصلی درون ماست، در ناباوری ماست، در ترس و بی اعتمادی است، بقای نظام سرمایه داری از قوت او نیست از ضعف ماست.

امروز همه باورمندان به تغییر و دگرگونی میتوانند در حول محوریک اندیشه انسان محور گرد آیند و برای دفاع از اصالت بشر به عنوان موجود لایق آزادی و برابری به کنش بپردازند. بدیهی است که بدون کارجمعی و سازماندهی هیچ اقدامی میسر نیست. اما هیچ کس برای این سازماندهی و حرکت جمعی پیشگام نخواهد شد، مگر خود ما.

کوروش عرفانی

[www.korosh Erfani.com](http://www.korosh Erfani.com)  
[korosh Erfani@yahoo.com](mailto:korosh Erfani@yahoo.com)

\*\*

<sup>1</sup> [http://www.humanite.fr/2008-10-10\\_Politique\\_Le-bal](http://www.humanite.fr/2008-10-10_Politique_Le-bal)